

واکاوی تطبیقی علل و عوامل خوانش متفاوت فقهای مکتب نجف و قم از احادیث ولایت فقیه با

تأکید بر اندیشه امام خمینی و آیه الله خویی رحمتهما الله

مجید بیگی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۴

چکیده

در واکاوی مقایسه‌ای از علل و زمینه‌های خوانش متفاوت فقهای مکتب نجف و قم درباره احادیث ولایت فقیه چهار عامل عمده بدست می‌آید که عبارت‌اند از: ۱. متن‌گرایی، ۲. استظهار عرفی متون، ۳. اجتهاد انضمامی، ۴. ملاک‌انگاری مقاصد شریعه در مکتب قم. ۱. صناعت محوری، ۲. تدقق‌های عقلی و تکثیر احتمالات، ۳. تفقه ریاضی وار، ۴. عدم ملاک‌انگاری مقاصد الشریعه در مکتب نجف. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد برخی شیوه‌های فقه‌ای مدرسه آیه الله خویی اختصاص به همان مدرسه داشته و در سیره اجتهادی اساطین فقه شیعه از سابقه چندانی ندارد. دیگر این که تحلیل شیوه فقه‌ای فقهای دو مکتب حاکی از آن است که فقهای مکتب نجف برخی علل مؤثر در فهم حدیث را مورد بررسی قرار نمی‌دهند که سبب اختلاف در فهم واژگان کلیدی موضوع، از جمله «حاکم»، «الحوادث»، «الحصون»، «ورثه» و ... گردیده و سبب برداشت‌های مقید و محدود از ولایت فقیه شده است. کلیدواژه‌ها: احادیث ولایت فقیه، مکتب نجف، مکتب قم، امام خمینی، آیه الله خویی.

بیان مسئله

با توجه به تحولات سیاسی اجتماعی قرن اخیر در ایران و عراق، به خصوص از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی توجه ویژه‌ای توسط فقهای معاصر امامیه به فقه سیاسی شده

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه دامغان (majidbigy@gmail.com).

است. مبحث ولایت فقیه بر سرپرستی و زعامت جامعه مسلمین در عصر غیبت بنیادی‌ترین مباحث این مسئله است که توسط فقهای متعدد قرن اخیر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. بدیهی است بررسی احادیث موجود در موضوعات فقهی، از جمله اساسی‌ترین اصول تفقه و اجتهاد است که مسئله ولایت فقیه به عنوان یکی از مباحث فقه سیاسی از آن استثنا نمی‌گردد، بلکه به سبب جایگاه و مدعای ویژه این بحث (نصب شارع) توجه به احادیث معصومین در این موضوع در درجه اول اهمیت قرار می‌گیرد. با درنگی تحلیلی، چنین به دست می‌آید که به طور کلی، فقهای معاصر در بررسی سندی و دلالتی احادیث مربوط به ولایت فقیه به دو گونه مشی کرده‌اند؛ فقهایی مانند میرزای نایینی دلالت عموم ادله مثبت ولایت فقیه را - که طیفی از فقها به آن استناد نموده‌اند - ادله‌ای مخدوش و غیر واضح می‌شمارد^۱ آیه الله خویی به هنگام جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از مبحث ولایت فقیه می‌نویسد:

اخبار و روایت‌های که برای اثبات ولایت مطلقه فقیه بر آن‌ها استناد شده است، از نظر سند و دلالت از اثبات مراد قاصر هستند.^۲

میرزا جواد تبریزی عموم احادیث مورد استناد واقع شده برای اثبات ولایت فقیه را از جهت سند مخدوش اعلام می‌کند^۳ و برخی را نیز مثبت منصب قضا می‌داند، نه ولایت زعامت.^۴ در مقابل، آیه الله بروجردی، پس از طرح بحث و بیان ادله و دلایل خود برای اثبات ولایت مطلقه فقیه، این مسئله را از جمله مسائل خالی از اشکال می‌داند:

فقیه عادل از طرف ائمه نصب شده برای امور مهمی که مربوط به عموم و محل ابتلای همگان است، از چیزهای است که اجمالاً اشکالی در آن نیست.^۵

امام خمینی اصل ولایت فقیه را از موضوعات بدیهی می‌داند که تصور آن‌ها تصدیق آن را نیز به دنبال دارد.^۶ با در نظر گرفتن این مشی دوگانه فقهای معاصر در بررسی نظریه ولایت

۱. المکاسب و البیع، ج ۲، ص ۳۳۳.

۲. التنقیح فی شرح العروة الوثقی؛ الاجتهاد والتقلید، ص ۴۲۰.

۳. إرشاد الطالب إلى التعلیق علی المکاسب، ج ۳، ص ۱۸.

۴. همان، ج ۳، ص ۳۱.

۵. و بالجمله کون الفقیه العادل منصوباً من قبل الأئمة علیهم‌السلام لمثل تلك الأمور العائمة المهمة التي یتولی بها العامة مما لا إشکال فیہ إجمالاً (البدر الزاهر فی صلاة الجمعة و المسافر، ص ۷۹).

۶. ولایت فقیه، حکومت اسلامی، ص ۹.

فقیه اجمالاً چنین به دست می‌آید که: اولاً، به طور کلی فقها با دو منهج به بررسی احادیث ولایت فقیه پرداخته‌اند. لذا با وجود منابع و احادیث متحد و مشترک به دو نتیجه متفاوت و متغایر دست یافته‌اند. بدین سبب در تحلیل و بررسی چرایی و چگونگی این مسئله پس از پرسش از چگونگی طیف بندی فقهای معاصر در بررسی احادیث ولایت فقیه، پرسش اصلی آن است که علل اختلاف فقها در بررسی این احادیث چیست؟ چه مؤلفه‌های سبب گردیده که فقهای امامیه با وجود داشتن چهارچوب و منابع مشترک اجتهادی از مجموعه احادیث وارد شده در موضوع ولایت فقیه به دو نتیجه متفاوت نایل شوند؟

اهمیت و ضرورت این مسئله در آن است که به سبب واکاوی دقیق و علمی علل اختلاف فقهای معاصر در موضوع ولایت فقیه ضمن تبیین منهج فقهای مذکور با شناخت مکاتب فقهی و دسته بندی آرای وارده و تحلیل گفتمانی آن‌ها به صورت مسئله محور، مهم‌ترین چالش پیشروی نظام جمهوری اسلامی با نگاهی تطبیقی در مقابل بینش نخبگانی قرار می‌گیرد. ورود سالانه ده هزار نفر طلبه به حوزه‌های علمیه سراسر کشور در سال‌های اخیر در صورت فقدان برنامه‌ای مدون برای شناخت مکاتب فقهی، خیل عظیمی از فقهای را نتیجه خواهد داد که در مکاتبی رشد و پرورش می‌یابند که ارتباط تئوریک و مبنایی با نظام جمهوری اسلامی ندارند. بدیهی است کمترین پیامد این امر، فقر حمایت نخبگانی از نظام سیاسی مبتنی بر اصل ولایت فقیه در حوزه‌های علمیه خواهد بود.

۱. چهارچوب نظری

۱-۱. مکتب شناسی

۱-۱-۱. مکتب نجف

مکتب فقهی نجف با تفکر آخوند خراسانی شکل گرفته و توسط شاگردان وی از جمله میرزای نایینی به آیه الله سید ابوالقاسم خویی منتقل و به دست ایشان به کمال می‌رسد و فقهای چون آیه الله میرزا جواد تبریزی را - که دارای دیدگاهی خاص در حوزه فقه سیاسی است - پرورش می‌دهد.

۱-۱-۲. مکتب قم

مکتب فقه‌های قم - که ابتدا با انتقال پایگاه مرجعیت از نجف به سامرا توسط میرزای شیرازی کلید می‌خورد - با انتقال میراث مکتب سامرا توسط شیخ عبدالکریم حائری به قم در آنجا پایه گذاری شده، سپس توسط آیه الله بروجردی تکمیل و توسط حضرت امام

خمینی علیه السلام به اوج می‌رسد و فقها و اندیشمندانی چون مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی و جوادی آملی در آن تربیت می‌گردند.

۱-۱-۳. احادیث ولایت فقیه

احادیث ولایت فقیه مجموعه‌ای از احادیث وارده از معصومین علیهم السلام است در باب ولایت فقیه بر امور اجتماعی مسلمین، بعضی از آن‌ها با اسم راوی و یا بخشی از عبارت روایت، نام‌گذاری شده‌اند. برخی از این احادیث عبارت‌اند از: «العلماء ورثة الأنبياء»،^۱ «العلماء أمناء الرسل»،^۲ «الفقهاء أمناء الرسل»،^۳ «منزلة الفقيه في هذا الوقت كمنزلة الأنبياء من بني إسرائيل»،^۴ «الفقهاء حصون الاسلام»،^۵ «علماء امتي كأنبياء بني إسرائيل»،^۶ «أولى الناس بالأنبياء أعلمهم بما جاثوا به»،^۷ «اللهم ارحم خلفائي قيل يا رسول الله ومن خلفاؤك قال الذين يأتون من بعدي يزؤون حديثي وُسنتي»،^۸ «مجارى الأمور والأحكام بيد العلماء الامناء لله في حلاله و حرامه»،^۹ «اما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواة احاديثنا، فإنهم حجتي عليكم وانا حجة الله»^{۱۰} و صحیححه ابی خدیجه^{۱۱} و مقبوله عمر بن حنظله.^{۱۲}

۱-۱-۵. روش‌شناسی

این پژوهش، با گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی، به روش مقایسه‌ای با

۱. الکافی، ج ۱، ص ۳۲؛ وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۷۸.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۴۶؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۶.

۳. الکافی ج ۱، ص ۴۶؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۶.

۴. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۴۶.

۵. الکافی، ج ۱، ص ۳۸؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۸۳.

۶. بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۲.

۷. همان، ج ۱، ص ۱۸۳.

۸. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۲.

۹. تحف العقول، ص ۲۳۷.

۱۰. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۴۰.

۱۱. عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ قَالَ: بَعَثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِلَى أَصْحَابِنَا فَقَالَ: قُلْ لَهُمْ: إِنِّي إِذَا وَقَعَتْ بَيْنَكُمْ خُصُومَةٌ أَوْ تَدَارَى بَيْنَكُمْ فِي شَيْءٍ مِنَ الْأَخْذِ وَالْعِطَاءِ أَنْ تَتَّحَاكُمُوا إِلَى أَحَدٍ مِنْ هَؤُلَاءِ الْقَسَاقِ، اجْعَلُوا بَيْنَكُمْ رَجُلًا مِمَّنْ قَدْ عَرَفَ حَالَئَنَا وَ حَرَامَنَا، فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ قَاضِيًا (رك: وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۳۶).

۱۲. عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلَيْنِ مِنْ أَصْحَابِنَا بَيْنَهُمَا مُنَازَعَةٌ فِي دَيْنٍ أَوْ مِيرَاثٍ فَتَحَاكَمَا إِلَى الشُّلْطَانِ وَإِلَى الْقَضَاةِ أَيَحِلُّ ذَلِكَ... يُنْظَرَانِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مِمَّنْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَنَظَرَ فِي حَالَئِنَا وَ حَرَامِنَا وَ عَرَفَ أَحْكَامَنَا، فَلْيَبْرِضُوا بِهِ حَكْمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا (رك: الکافی، ج ۱، ص ۶۷؛ وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۳۹).

تمرکز بر شباهت‌ها و تفاوت‌ها، به فهم و درک موضوع اصلی بحث می‌پردازد که در این پژوهش، متن و محتوای احادیث مربوط به ولایت فقیه در آثار و اندیشه فقهای مکتب نجف و قم است.^۱ در این مقاله تلاش شده با در نظر گرفتن متغیرهای مستقل به مطالعه متغیر وابسته اقدام شود و با بررسی تطبیقی متغیرهای مستقل در فرآیند یک پژوهش، وجوه افتراق و اشتراک و نقاط ضعف و قوت متغیر وابسته تحلیل و بررسی گردد. از قدیمی‌ترین نمونه‌های این روش را می‌توان در کتاب نظام منطق^۲ جان استوارت میل مشاهده کرد که در آن از دو روش مختلف توافق و تفاوت سخن می‌گوید. در روش توافق، پژوهش‌گر نشان می‌دهد که چگونه با وجود تفاوت‌ها در واحدهای مختلف تحلیل عوامل علی یکسانی وجود دارد که تاثیر آن‌ها برآیند مشابهی در موارد گوناگون می‌گذارد و در روش تفاوت استوارت میل نشان می‌دهد که چگونه دو مورد مشابه به علت وجود متغیری علی در یکی و فقدان آن در دیگری به دو مسیر مختلف سوق داده می‌شود.^۳

۲. واکاوی تطبیقی علل و زمینه‌ها

با مطالعه موردی منهج فقه‌های دو مکتب در بررسی احادیث ولایت فقیه، علل و زمینه‌های اختلاف آن‌ها در خوانش احادیث مرتبط با موضوع ولایت زعامت فقیه را می‌توان در موارد زیر دسته‌بندی کرد:

۲-۱. صناعت محوری مکتب نجف، متن‌گرایی مکتب قم

یکی از شاخصه‌های مهم مکتب فقهی نجف «صناعت محوری» است.^۴ براساس شیوه فقه‌صناعی، فقیه در مکتب نجف، در ابتدای ورود به مسائل فقهی، به دنبال تأسیس اصل است؛^۵ به این صورت که در آغاز بررسی یک مسئله، بدون مراجعه به روایات و منابع اصیل فقه، همچون «کتاب و سنت»، اقدام به تأسیس «اصل» می‌نماید. آنگاه بعد از دستیابی به مقتضای اصل، به بررسی آیات و روایات می‌پردازد.^۶ از این رو، در مکتب نجف، فقه‌ها

۱. روش تطبیقی فراسوی راهبردهای کمی و کیفی، ص ۱۲۳.

2. A system of logic.

۳. قواعد روش جامعه‌شناسی، ص ۱۳۹؛ روش‌شناسی مطالعات انقلاب با تأکید بر انقلاب اسلامی ایران، ص ۶۵.

۴. «تحولات اجتهاد شیعی، سیر تاریخی، حوزه‌ها و شیوه‌ها»، ص ۱۰.

۵. «شیوه شیخ در فقهت»، ص ۳۸-۵۳.

۶. «گفتگویی با موضوع نگاهی به مکاتب اجتهادی نجف و قم»، ص ۲۰۲.

مبتنی بر مبانی اصولی است. بدین جهت، قواعد به دست آمده از علم اصول مدخلیت بیشتری در حصول نتایج مباحث فقهی دارد.^۱ با توجه به همین امر، فقهای مکتب نجف با تأسیس اصل عدم ولایت در ابتدای مسئله،^۲ به بررسی منابع پرداخته‌اند. همین امر سبب گردیده با نگرش فقدانی به ادله پردازند؛ بدین معنا که در اندیشه فقهای این مکتب در ابتدا ولایتی برای فقیه وجود ندارد. در نتیجه، روایات باید آن میزان از اعتبار را حایز باشند که بتوانند امری را تشریح نمایند. از همین رو، آیه الله خویی پس از بحث و بررسی احادیث ولایت فقیه دلالت روایات را قاصر از اثبات مراد دانسته^۳ و همان اصل عدم ولایت را ثابت می‌داند.^۴ در اندیشه فقه‌های مدرسه وی، روایات موجود توانایی اثبات و ایجاد اصل ولایت برای فقیه نداشته، بلکه قدر متیقن ولایت (افتاء و قضاء) را برای فقیه اثبات می‌کند.^۵ در مقابل، فقهای مکتب قم به سبب توجه به متن (قرآن و حدیث) از تفقه صناعی پرهیز می‌کنند. همین تفاوت در بدو بررسی یک موضوع سبب ایجاد نگرش متفاوت در مسائل و به خصوص در مسئله ولایت فقیه شده است. در مکتب قم، فقیه در حل مسئله، توجه خود را منوط بر فهم متن گذاشته و با تمرکز در ادله اجتهادی تمام تلاش خود را در فهم حدیث و انجبار آن در صورت ضعف با شهرت و با به کارگیری قراین حالیه و مقالیه و فهم فضای صدور حدیث و ابعاد ذهن سؤال کننده و یا راوی حدیث، سعی در فهم متن می‌نماید و از دیگر ادله، چون منابع عقلی و ضروریات دین و سایر قواعد فقهی و مقاصد الشریعه در اجتهاد خود بهره می‌برد.^۶ با مطالعه موردی احادیث ولایت فقیه، این روش در اجتهاد فقهای مکتب قم به خوبی مشاهده می‌شود. آیه الله بروجردی ولایت را برای فقیه از منظر مباحث عمومی شریعت و عقل، امری پذیرفته می‌بیند. بدین جهت نگرشی که به حدیث دارد، بیشتر جنبه تأییدی است تا تأسیسی. از این رو مقبوله عمر بن حنظله برای اثبات اندیشه وی کفایت می‌نماید.^۷ بر همین اساس، ایشان از مقبوله عمر بن حنظله به عنوان شاهد برای

۱. همان، ص ۲۰۷.

۲. ارشاد الطالب، ج ۳، ص ۱۹.

۳. التنقیح فی شرح العروة الوثقی، ص ۴۱۹.

۴. همان، ص ۴۲۴.

۵. همان، ص ۴۲۰.

۶. الاجتهاد و التقليد (الفوائد الحائریة)، ص ۴۸۷؛ البدر الزاهر، ص ۸؛ «روش اجتهادی فقهاء» (صافی)، ص ۲۱۶.

۷. البدر الزاهر، ص ۷۹.

اثبات یک امر پذیرفته شده استفاده می‌نماید.^۱ در اندیشه امام خمینی علیه السلام نیز چون ولایت فقیه یک امر مورد انتظار از دین است، از احادیثی چون «العلماء امناء» و حصون و غیره خوانشی انجام می‌گیرد که قابلیت استناد و اتکا پیدا کرده و به تحکیم بحث پردازد؛^۲ در حالی که طیف زیادی از احادیث مورد استناد امام علیه السلام از نظر فقهای مکتب نجف مرسل و ضعیف محسوب می‌گردند.^۳ اما چون تمرکز امام علیه السلام در فهم مسئله به مجموعه متون دین است، این امر سبب اجتناب وی از تأسیس اصل بر عدم ولایت فقیه گردیده، بلکه متن را در فضای وجود ولایت و ضرورت اجرای احکام توسط حکام قرائت می‌کند.^۴ از این رو، روایت‌هایی که العماء را «امناء» و «حصون» و «وارث» معرفی می‌کند، همگی هم از نظر دلالتی به ولایت فقیه معنا می‌شود و هم ضعف سندی آن‌ها از باب مؤید بودن بر یک ضرورت دینی و عقلی انجبار می‌گردد.^۵ بر مدار همین منهج مکارم شیرازی بعد از آن که وجود حکومت برای جوامع بشری را لازم و از ضروریات عقلی می‌داند،^۶ با وجود ایراد نقض و نقد سندی به برخی احادیث ولایت فقیه.^۷ اما در نهایت، به خوانشی از ولایت زعامت از روایت‌هایی چون «حوادث الواقعة» و «مجاری الامور الاحکام باید العلماء بالله» می‌پردازد.^۸

۲-۲. استظهار عرفی متون در مکتب قم و تدقق‌های عقلی و تکثیر احتمالات در مکتب نجف

مراد از فهم عرفی این است که فقیه در برخورد با مجهولات فقهی به دنبال قطع و یقینی - که فلاسفه خواستار آن هستند - نرود، بلکه دنبال طرز تفکر و اندیشه‌ای باشد که متعارف مردم به دنبال آن می‌روند.^۹ از این رو، امام خمینی از جمله شرایط اجتهاد را انس به محاورات عرفی و دوری جستن از خلط دقایق علوم عقلی با معانی عرفی عادی می‌داند.^{۱۰} یکی از

۱. لا نحتاج فی إثباته إلى مقبولة ابن حنظلة، غاية الأمر كونها أيضا من الشواهد (همان).

۲. ولایت فقیه، حکومت اسلامی، ص ۶۷-۷۰.

۳. المكاسب و البیع، ج ۲، ص ۲۳۷؛ مصباح الفقاهه، ج ۵، ص ۴۶؛ التنقیح، ص ۴۸؛ ارشاد الطالب، ج ۳، ص ۱۸ و ۳۰.

۴. ولایت فقیه، حکومت اسلامی، ص ۶۷ و ۷۰.

۵. همان.

۶. انوار الفقاهه، ص ۴۴۸.

۷. همان، ص ۴۷۱.

۸. همان، ص ۴۶۳ و ۴۷۱.

۹. دائرة المعارف فقه مقارن، ص ۶۱۴؛ منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، ص ۳۹۲.

۱۰. الاجتهاد و التقليد (امام خمینی)، ص ۱۰.

شاخصه‌های اصلی مکتب قم استظهار عرفی متون است.^۱ بزرگان این مکتب بر این اعتقادند که ائمه بر مبنای محاورات عرفی و به لسان قوم سخن می‌گفتند. لذا باید فقیه نیز در فهم کلام ایشان از توجیه و تاویل‌های بیهوده و تکثیر احتمالات به شدت پرهیزد.^۲ در مقابل، فقهای مکتب نجف در فهم مسائل از دقت‌های عقلی و تکثیر احتمالات بهره می‌برند؛ به گونه‌ای که برای فهم مسئله همه صور محتمل را طراحی و با پاسخ‌گویی به آن، به حکم شرعی می‌رسند.^۳ نمونه‌ای از این مشی در فهم آیه الله خوبی از معنای علما در احادیث «العلماء ورثة الانبياء» و «العلماء امناء» مشاهده می‌شود. ایشان با بیان احتمال خلاف ظاهر و دقت‌های فراعرفی معنای علما را محدود در عنوان ائمه معصومین دانسته، از شمول آن برفقها اجتناب می‌کند.^۴ همین شیوه را در منهج آیه الله تبریزی در بررسی روایت «فارجعوا الی دواة حدیثنا..» به راحتی می‌توان مشاهده کرد. تبریزی ضمن آن که سند حدیث را مجهول می‌داند،^۵ بیان می‌کند که مراد از حوادث، مبهم است. احتمال دارد حوادث اشاره به منازعات و رفع خصومات داشته باشد.^۶ تکثیر احتمالات سبب شده که تبریزی از برداشت متعارف فقها، از روایت به ولایت زعامت دور شده، قضاوت قاضی و یادگیری احکام شرعی را معیار حجیت بخشی مطرح کند؛^۷ در حالی که یادگیری احکام نیازمند حجیت نیست.^۸ فقهای مکتب نجف بر اساس همین مشی برطیفی از استنباط‌های فقهای قم در تحلیل احادیث ولایت فقیه مناقشه می‌کنند. آیه الله خوبی فهم عرفی فقهای مکتب قم از ترادف بین قاضی و حاکم را نپذیرفته، بلکه می‌نویسد:

آن دو، اموری جدا هستند که برای یکسان‌انگاری آن‌ها نیاز به دلیلی جداگانه است.^۹
بر اساس اصل استظهار عرفی متون، جوادی آملی فهم صاحب جواهر به عنوان یک عرب و پرورش یافته در محیط و فرهنگ عربی را ملاک قرار داده و در تحلیل حدیث عمر بن

۱. کتاب البیع (تقریر خرم‌آبادی)، ص ۱۶۰؛ «گفتگویی با موضوع نگاهی به مکاتب اجتهادی نجف و قم»، ص ۲۰۷.

۲. الاجتهاد و التقليد (الفوائد الحائریة)، ص ۴۶۳؛ مصابیح الظلام، ص ۴۸.

۳. مصباح الفقاهة، ج ۵، ص ۴۳؛ ارشاد الطالب، ج ۳، ص ۳۲.

۴. مصباح الفقاهة، ج ۵، ص ۴۳.

۵. ارشاد الطالب، ج ۳، ص ۳۲.

۶. همان.

۷. همان.

۸. ولایت فقیه (ولایت فقاها و عدالت)، ص ۱۹۳.

۹. التنقیح، ج ۱، ص ۴۲۲.

حفظه استنباط وی در یکسان‌انگاری قاضی و حاکم را معیار فهم حدیث قرار می‌دهد و از برداشت فقهای غیر عرب در جداانگاری آن‌ها اجتناب می‌کند.^۱ آیه الله بروجردی مطابق همین اصل معتقد است که وقتی امام صادق علیه السلام مردم را از مراجعه به طاغوت نهی می‌کند، فحوای کلام آن است که فقیه جامع الشرایط از طرف امام علیه السلام صاحب ولایت شریع است که امورات مسلمین را عهده‌دار گردد.^۲ امام خمینی به سبب استظهار عرفی متون در تبیین معنای حجت - که در بند پایانی حدیث «فارجعوا الی رواه» بیان گردیده - می‌نویسد:

حجت خدا» یعنی چه؟ شما از کلمه «حجة الله» چه می‌فهمید؟ ... این که می‌گویند «ولّی امر» حجت خداست، آیا در مسائل شرعی حجت است که برای ما مسئله بگوید؟ اگر رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده بود که من می‌روم، و امیر المؤمنین علیه السلام حجت من بر شماست. شما از این می‌فهمید که حضرت رفتند، کارها همه تعطیل شد. فقط مسئله گویی مانده که آن هم به حضرت امیر علیه السلام واگذار شده است؟ یا این که «حجة الله»، یعنی همان طور که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله حجت است و مرجع تمام مردم، خدا او را تعیین کرده تا در همه کارها به او رجوع کنند، فقها هم مسئول امور و مرجع عام توده‌های مردم هستند؟^۳

امام علیه السلام با مبنا قرار دادن فهم عرفی، از عبارت و نحوه محاوره مردم به طور یقینی از عبارت «انه علیکم حجتی» حجیت فقیه در همه کارها و مسائل، از جمله سرپرستی امور اجتماعی را برداشت می‌کند؛ در حالی که آیه الله خویی حوادث واقعه را مسائل مستحدثه می‌داند.^۴ امام علیه السلام در تبیین واژه حصن در روایت «فقهاء حصون السلام» نیز از همین روش بهره می‌برد:

اگر فقیه کنج منزل بنشیند و در هیچ امری از امور دخالت نکند، ... نه دخالت در امور اجتماعی مسلمانان کند، و نه اهتمام به امور مسلمین داشته باشد، به او «حصن الاسلام» گفته می‌شود؟ او حافظ اسلام است؟ اگر رئیس حکومتی به صاحب منصب یا سرداری بگوید: برو فلان ناحیه را حفظ کن و حافظ آن ناحیه باش، وظیفه نگهبانی او اجازه می‌دهد که برود خانه بخوابد تا دشمن بیاید آن ناحیه را از بین ببرد و به

۱. ولایت فقیه، ص ۱۹۳.

۲. البدر الزاهر، ص ۷۹.

۳. ولایت فقیه، حکومت اسلامی، ص ۸۱.

۴. مصباح الفقاهه، ج ۵، ص ۴۹، ارشاد الطالب، ج ۳، ص ۳۲.

مسئله‌گویی پردازد؟^۱

۲-۳. تفقه ریاضی وار مکتب نجف اجتهاد انضمامی مکتب قم

در مکتب نجف، بعد از تعریف ادله و تعیین درجه اعتبار هر کدام به معتبر و غیر معتبر اگر گزاره‌ای شامل شرایط غیر حجت بود، و به اصطلاح تنها افاده ظن نمود، از درجه اعتبار صفر برخوردار می‌شود. بر اساس مبانی دانش ریاضی، نتیجه تجمیع چند صفر همیشه صفر است، بنابراین، از جمع چند گزاره مفید ظن هرگز نتیجه مفید قطع حاصل نمی‌گردد. به همین جهت در مکتب نجف، فقیه هرگز با تجمیع ظنون به دنبال کشف واقع نمی‌رود و به هیچ وجه نسبت به نظر معصوم بدین طرق به وثوق نمی‌رسد.^۲ بر حسب این منهج، فقهای مکتب نجف روایت‌های مهم مربوط به ولایت فقیه را به صورت مستقل و جدا از هم دیگر مورد بررسی قرار داده و هریک را مورد نقد و مناقشه قرار می‌دهند. از آنجا که در بررسی جداگانه احادیث، هر کدام از جهتی (دلالتی یا سندی) مخدوش اعلام می‌شوند، بدین جهت چیزی جزء ظن را افاده نمی‌کنند. از این رو، حاصل جمع آن‌ها نیز چیزی جز صفر نیست. روایات مربوط به امان و وراثت فقها، هریک، علاوه بر عدم دلالت بر موضوع، فاقد سند صحیح بوده،^۳ و روایت فضل بن شاذان از امام رضا علیه السلام ضعیف و فاقد حجیت اعلام می‌گردد.^۴ روایت «و اما الحوادث الواقعة...» از جهت دلالت مورد مناقشه قرار گرفته و مضمون آن غیر مرتبط با ولایت فقیه اعلام می‌شود.^۵ روایت‌های مهم دیگر، از جمله صحیحی ابی خدیجه منحصر در حل مراعات و منازعات گردیده و فقط منصب قضا را برای فقیه ثابت می‌نماید^۶ و مقبوله عمر بن حنظله، صرف نظر از قصور سندی، از نظر دلالت نیز فقط مثبت منصب قضا است، نه ولایت زعامت.^۷ از این رو، آیه الله خویی روایات مثبت ولایت مطلقه فقیه را از نظر دلالتی و سندی غیر تام و قاصر می‌داند.^۸ این در حالی است که

۱. ولایت فقیه، حکومت اسلامی، ص ۶۷.

۲. «روش اجتهادی فقهاء» (نوری همدانی)، ص ۲۱۷.

۳. المکاسب و البیع (للمیرزا النائینی)، ج ۲، ص ۳۳۳؛ ارشاد الطالب، ج ۳، ص ۱۸؛ مصباح الفقاهه، ج ۵، ص ۴۴.

۴. معجم الرجال، ج ۱۱، ص ۳۶ و ج ۱۲، ص ۱۶۰.

۵. المکاسب و البیع، ج ۲، ص ۳۳۷؛ مصباح الفقاهه، ج ۵، ص ۴۶.

۶. المکاسب و البیع (للمیرزا النائینی)، ج ۲، ص ۳۳۵؛ مصباح الفقاهه، ج ۵، ص ۵۰؛ ارشاد الطالب، ج ۳، ص ۱۷.

۷. مصباح الفقاهه، ج ۵، ص ۴۵؛ ارشاد الطالب، ج ۳، ص ۳۱.

۸. التتقیح، ص ۴۲۰.

در مکتب فقهی قم، تجمیع ظنون و انضمام ادله یکی از شاخصه‌های بسیار مهمی است که سبب انجبار ادله و تقویت آن‌ها گردیده؛ به گونه‌ای که حصول به قطع از مجرای ظنون مختلف ممکن و میسر است؛^۱ اگرچه در مکتب نجف فقط مقدمات یقینی منتج به واقع شده و موجب حصول قطع می‌شود.^۲ اما در مکتب قم در مواقعی که ادله شفاف و روشنی در یک مسئله وجود نداشته باشد، فقیه مجموعه‌ای از ظنون را جمع‌آوری کرده، در کنار یکدیگر می‌گذارد و از مجموعه آن‌ها به طور جمعی به حکم شرعی دست پیدا می‌کند؛ با وجود آن‌که تک تک هریک از آن ظنون قادر به کشف واقع نیستند. ظنونی چون سیره عقلاء، شهرت فتوایی، اقوال علمای متقدم، تواتر معنایی، بررسی گروهی احادیث به گونه خانواده حدیثی، مطابقت با اصول مذهب، مقاصد الشریعة و مصالح شرعی، اگرچه هریک به تنهایی موجب حصول قطع به صدور خبری از معصوم نمی‌گردد، اما مجموعه این ظنون در این مکتب، منجر به تحقق کشف از واقع و حصول قطع برای مجتهد می‌شود.^۳ با دقت در متن آیه الله بروجردی در تحلیل جعل مقام ولایت بر فقیه به راحتی می‌توان روش تجمیع ظنون و انضمام ادله را مشاهده کرد:

در صدر اول اسلام سیاستمدار مسلمین، پیامبر اکرم ﷺ و پس از آن ائمه اطهار علیهم السلام و منصوبین آن‌ها بوده‌اند. پس حتماً زواره و امثال او از امامان علیهم السلام درباره حاکمیت زمان غیبت سؤال کرده‌اند و ائمه نیز جواب به نصب فقها داده‌اند، اما آن روایات مفقود شده است و فقط روایت مقبوله و مرفوعه مانده است. پس از این مقدمات، امر بین سه مسئله دایر است: ۱. نصب غیر فقیه، ۲. عدم نصب، ۳. نصب فقیه. چون دو امر اول بطلانش واضح است. پس حتماً فقیه را نصب کرده‌اند.^۴

کاربرد این شیوه در منهج امام خمینی نیز کاملاً مشهود است. امام با جمع کردن احادیث ولایت فقیه در یک جا و با نگرش مجموعی به احادیث ولایت فقیه می‌نویسد:

اگرچه تک تک هر یک از این روایات قابلیت نقض و ابرام در سند و دلالت را داشته باشند، اما مجموع آن‌ها به طور کلی مفهوم ولایت را برای فقیه اعطا می‌کند.^۵

۱. ولایت فقیه، ص ۱۹۴؛ «روش اجتهادی فقهاء» (تجلیل)، ص ۲۱۹.

۲. «روش اجتهادی فقهاء»، ص ۲۱۹.

۳. ولایت فقیه، ص ۱۹۴؛ «روش اجتهادی فقهاء» (تجلیل)، ص ۲۰۷.

۴. البدر الزاهر، ص ۷۲-۷۸.

۵. تهذیب الأصول، ج ۳، ص ۵۸۰.

۲-۴. ملاک‌انگاری مقاصد شریعه در مکتب قم و عدم آن در مکتب نجف

بررسی فتوای آیه الله خویی در مسائلی چون، احتکار^۱، حیل ربا^۲ و برخی شاگردان وی مبین آن است که در این نوع از تفقه، فقیه در بررسی مسائل اکتفا به اسناد نموده، مقاصد کلی و علل شرایع را لحاظ نمی‌کند. به تعبیری، مقاصد شریعت نقش مؤثری در اجتهاد این گروه نداشته، و گاهی نیز به آسانی از کنار آن گذر می‌شود.^۳ میرزا جواد تبریزی در مسئله فروش سلاح به دشمنان، مقاصد شریعت را مبنی بر حفظ کیان مسلمین و عدم سلطه کفار بر مسلمین، معیار ممنوعیت از چنین معامله‌ای قرار نمی‌دهد.^۴ از دیگر سو، توجه به مقاصد شریعت در مکتب قم از اهمیت بالایی برخوردار است، و نمونه‌های مختلفی از احکام فقهی را می‌توان در آرای فقهای این مکتب مشاهده کرد که در فرآیند استنباط آن، مقاصد الشریعه مورد لحاظ قرار گرفته و دخیل و اثر جدی در امر اجتهاد و کشف حکم داشته است.^۵ امام خمینی در باره مسئله حیل ربا و احادیث وارد شده در این باره با مبنا قرار دادن مقاصد الشریعه و اهداف شرع از تشریح حرمت ربا، نسبت به ورود احادیثی از جانب معصومین علیهم‌السلام جهت طراحی حیل ربا، تشکیک نموده و همگی را مورد خدشه قرار می‌دهد.^۶ مطابق همین مبنا از جمله احادیثی که فقهای نجف آن‌ها را قاصر از اثبات مراد دانسته، ولی امام خمینی با معیار قرار دادن مقصد شریعت از آن در اثبات ولایت فقیه بهره می‌برد، حدیث «الْفُقَهَاءُ حُصُونُ الْأِسْلَامِ» است که بیان می‌دارد «فقها حصون اسلام‌اند»؛ یعنی مکلف‌اند اسلام را حفظ کنند، و زمینه‌ای را فراهم آورند که بتوانند حافظ اسلام باشند.^۷ امام در بررسی مبسوطی که از حدیث ارائه می‌دهد، هدف شریعت را در اجرای حدود اخذ زکات و مالیات، گرفتن حقوق فقرا از ثروتمندان و برقراری عدالت در جامعه می‌داند و چنین تعلیل می‌نماید که چگونه محتمل است فقیه حصن و حافظ اسلام باشد، اما مشروعیت تأسیس حکومت نداشته باشد.^۸ امام با محور قرار دادن هدف شریعت در اجرای احکام، حفظ اسلام را در

۱. مبانی تکملة المنهاج، ج ۱، ص ۲۲۴، مسئله ۱۷۷.

۲. منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۴۱۶-۴۱۷.

۳. فقه و مصلحت، ص ۳۶۶.

۴. ارشاد الطالب، ج ۱، ص ۱۰۶.

۵. التعلیقة على العروة الوثقی، ص ۶۴۸؛ العروة الوثقی مع تعلیقات الفاضل، ج ۲، ص ۱۵۳.

۶. کتاب البیع، ج ۲، ص ۵۵۳.

۷. ولایت فقیه، حکومت اسلامی، ص ۶۷.

۸. همان، ص ۶۸.

اجرای احکام اسلام می‌بینید. از این جهت، معتقد است که بدون در نظر گرفتن تأسیس حکومت و عنصر اجرایی شدن احکام، تشریح احکام امری لغو است.^۱ امام علیه السلام همین شیوه را در تحلیل حدیث «الفقهاء امناء الرسل» نیز به کار می‌برد.^۲

۳. بررسی و داوری نهایی

پس از تبیین و توضیح تفاوت‌های عمده دومکتب، جهت داوری نهایی به بررسی و تحلیل مؤلفه‌های ذیل می‌پردازیم:

۱. در تحلیل حجیت حدیث از دو منظر به آن پرداخته می‌شود: اول. از منظر سندی که با اتکا به دانش درایة الحدیث و رجال انجام می‌گیرد. این نوع بررسی را بررسی حدیث از منظر وثوق مخبری می‌نامند؛ دوم. از منظر دلالتی و فقه الحدیث که به آن، بررسی حدیث از منظر خبری گفته می‌شود. در مکتب فقه‌های قم ممکن است یک حدیث با داشتن سندی ضعیف تلقی به قبول گردیده و معیار صدور فتوا قرار بگیرد. این امر بدین جهت است که در این مکتب برای فقیه وثوق به صدور حدیث از جانب معصوم شرط است که این امر علاوه بر سند حدیث، می‌تواند از ادله و قراین و شواهد دیگری نیز به دست آید.^۳ این شیوه از جمله میراث فقه‌های علامه بهبهانی از علمای متقدم است که با عنوان تقدم وثوق خبری بر وثوق مخبری به فقهای مکتب قم منتقل گردیده است.^۴ در مدرسه آیه الله خوبی در برخورد با احادیث ولایت فقیه کاملاً به عکس این شیوه رفتار شده است؛ بدین صورت که به سبب تقدم وثوق مخبری بر وثوق خبری بسیاری از احادیث ولایت فقیه بدون توجه به دلالت و سایر قراین از جمله شهرت فتوایی و عمل اصحاب، تضعیف و از حجیت ساقط گردیده است.

۲. یکی از روش‌های عمده - که در فهم حدیث مجتهد را بسیار کمک می‌کند و در واقع از ضروریات فهم صحیح حدیث است - توجه به فضا و شرایط صدور حدیث است. در مکتب قم به سبب متن‌گرایی، تلاش عمده‌ای برای فهم متون شرعی می‌شود. بدین جهت، از تمامی روش‌ها و شیوه‌هایی که منجر به فهم دقیق متن می‌گردد، بهره‌گیری می‌گردد.^۵ امام

۱. همان، ص ۶۸.

۲. همان، ص ۷۰.

۳. «روش فقهی مصلح بزرگ»، ص ۷؛ «روش اجتهادی فقهاء»، ص ۲۲۵؛ «گفتگویی با موضوع نگاهی به مکاتب اجتهادی نجف و قم»، ص ۲۰۷؛ الاجتهاد و التقليد (الفوائد الحائریة)، ص ۴۸۷.

۴. الاجتهاد و التقليد (الفوائد الحائریة)، ص ۴۸۷.

۵. مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۰، ص ۱۵۴؛ البدر الزاهر، ج ۲، ص ۳۳۶؛ «روش اجتهادی فقهاء»، ص ۲۱۶.

خمینی، مطابق همین شیوه در تحلیل روایت «اللهم ارحم خلفائی» برای تبیین حدیث با در نظر گرفتن فضای صدور حدیث می نویسد:

جمله الذین یأتون من بعدی و یروون حدیثی معرفی خلفاست، نه معنای خلافت؛ زیرا معنای خلافت در صدر اسلام امر مجهولی نبود که محتاج بیان باشد.^۱

در حالی که در مدرسه آیه الله خویی عبارت پایانی حدیث دال بر حوزه تبلیغ گرفته شده و مراد امام از حدیث، تبیین معنای خلافت بیان می گردد. لذا به صراحت نتیجه گرفته می شود که حدیث هیچ دلالتی بر ولایت سیاسی فقها ندارد و تنها دلالت بر جانشینی علما بر زعامت دینی پیامبر ﷺ دارد که همان نشر و تبلیغ احکام اسلام و ابلاغ آن ها به مردم است.^۲ لکن امام خمینی با در نظر گرفتن فضای پرسش راوی و سؤال کننده، معتقد است پرسش گرد در متن حدیث به دنبال شناخت خلفا است و با فرض این که معنای خلافت روشن است، سؤال می نماید. بدین جهت، امام برای تبیین این پرسش، وصف «الذین یأتون من بعدی و یروون حدیثی» را می آورد و حدیث را شامل فقها دانسته و با یکسان انگاری معنای خلافت در عبارت «علی خلیفتی» برداشت ولایت زعامت برای فقیه می کند.^۳ امام ﷺ در بررسی حدیث «فارجعوا الی رواه حدیثنا» در رفع حصر معنای مسائل مستحدثه از حوادث واقعه و توسعه معنایی آن به همه مسائل، از همین شیوه بهره می برد و با تبیین فضای صدور حدیث و شرایط راوی و عصر وقوع روایت می نویسد:

منظور از «حوادث واقعه» که در این روایت آمده، مسائل و احکام شرعیه نیست. نویسنده نمی خواهد پرسد درباره مسائل تازه ای که برای ما رخ می دهد، چه کنیم؛ چون این موضوع جزء واضحات مذهب شیعه بوده است و روایات متواتره دارد که در مسائل باید به فقها رجوع کنند. در زمان ائمه علیهم السلام هم به فقها رجوع می کردند و از آنان می پرسیدند. کسی که در زمان حضرت صاحب - سلام الله علیه - باشد و با نواب اربعه روابط داشته باشد و به حضرت نامه بنویسد و جواب دریافت کند، به این موضوع توجه دارد که در فراگرفتن مسائل به چه اشخاص باید رجوع کرد. منظور از «حوادث واقعه» پیشامدهای اجتماعی و گرفتاری هایی بوده که برای مردم و مسلمین

۱. ولایت فقیه، حکومت اسلامی، ص ۶۶.

۲. ارشاد الطالب، ج ۳، ص ۲۷.

۳. ولایت فقیه و حکومت اسلامی، ص ۶۶.

روی می‌داده است.^۱

آیه الله بروجردی نیز برای برداشت ولایت زعامت از روایت ابن حنظله از همین شیوه استفاده می‌کند. ایشان پس از نفی قول و احتمال بی‌توجهی ائمه به اوضاع و احوال شیعیان در عصر غیبت و استبعاد عدم تعیین رهبر سیاسی برای شیعیان در دوره غیبت از طرف معصوم علیه السلام بیان می‌کند:

مراد امام صادق علیه السلام از لفظ حاکم در روایت ابن حنظله رهبر سیاسی و زمامدار است، نه خصوص قاضی و رسیدگی به امر قضا که یکی از کارهای حاکم و زمامدار است. پس حضرت علیه السلام رهبر سیاسی تعیین فرموده است.^۲

۳. یکی از شاخصه‌های مکتب قم تقسیم‌بندی منابع حدیثی به قبل و بعد از شیخ طوسی است. بر اساس این دسته‌بندی، دسته‌ای از اصول حدیثی در اختیار علمای متقدم (تا شیخ طوسی) موجود بوده است که اکنون در دسترس ما نیست. از این رو، منابع فقهی و فتوایی علمای متقدم، منعکس‌کننده مفاد و حتی الفاظ روایات کتاب‌های حدیثی مفقوده هستند.^۳ در اندیشه بزرگان این مکتب اصول احادیث مفقوده در اختیار مؤلفین کتاب‌های فقهی متقدم بوده است. آن کتاب‌ها منابع بسیار مهمی هستند که می‌توانند فقیه را در فهم و استنباط احکام یاری رسانند.^۴ آیه الله بروجردی چنین منابعی را - که منعکس‌کننده اصول حدیثی مفقوده هستند - اصول متلقات نام می‌نهند.^۵ بدین جهت، در مکتب قم شهرت فتوایی که در عصر متقدمین (دوره ماقبل شیخ طوسی) وجود دارد، کاشف از نظر معصوم است؛ چرا که غیر ممکن است فتوایی بدون داشتن سند روایی نزد فقهای متقدم و نزدیک به عصر حضور ائمه علیهم السلام وجود داشته باشد.^۶ امام خمینی با توجه به این مسئله در استناد به حدیث مقبوله عمر بن حنظله می‌نویسد:

اشتهار و عمل اصحاب در مبحث قضا به آن موجب جبران ضعف سند است.^۷

۱. همان، ص ۸۰.

۲. البدر الزاهر، ص ۷۹.

۳. «روش اجتهادی فقهاء»، ص ۲۳۸.

۴. مبانی فقهی حکومت اسلامی، ج ۶، ص ۶۱.

۵. «آیه الله حاج آقا حسین بروجردی از دیدگاه آیه الله شبیری زنجانی»، ص ۱۱۴.

۶. مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۰، ص ۱۵۳.

۷. الاجتهاد و التقليد (خمینی)، ص ۲۶.

همچنین است جبران صحیحہ ابی خدیجہ با شہرت فتوایی.^۱

و به همین نحو در باره روایت «الفقهاء حصون الإسلام»، در حالی که فقهای مکتب نجف آن را تضعیف نموده و فاقد اعتبار می دانند. امام به اتکای اصل اصول متلقات می نویسد:

ضعف سند این روایت به سبب عمل شیخ طائفه و شہادت وی نسبت به عمل فقهای متقدم به آن جبران می گردد. به واقع عمل اصحاب پیشین جابر ضعف سند است.^۲

نمونه بسیار بارز این تفاوت اجتهادی دو مکتب را می توان در بررسی عبارت «السلطان ولی من لا ولی له» دانست که آیه الله خویی به صراحت، این عبارت را حدیث ندانسته و استناد به آن را مخدوش اعلام می دارد؛^۳ در حالی که در اندیشه فقهای مکتب قم به سبب آن که این عبارت یک اصل پذیرفته شده در نزد فقهای متقدم است، به عنوان اصول متلقات پذیرفته شده و به عنوان دلیل معتبر به آن استناد می گردد.^۴

۴. نگرش نظارتی احادیث ائمه علیهم السلام بر احادیث اهل سنت؛ به سبب آن که شکل گیری فقه شیعه در جامعه و فضایی بوده است که اکثریت مردم بر مکتب خلفا بوده اند و خلافت و نهادهای حکومتی در دست مذاهب اهل سنت قرار گرفته بود. لذا فقه حاکم در جامعه اسلامی فقه اهل سنت بوده است. بدین روی، بسیاری از مسائل و مباحثی که در میان فقهای امامیه بحث و بررسی قرار می گرفته و نسبت به آن از ائمه اهل البیت علیهم السلام سؤال می شده ناظر به مباحث و فتوا و روایات هائی بوده است که در مکاتب فقهی و حدیثی اهل سنت مورد گفتگو قرار می گرفته است و فقهای شیعه، به خصوص در رأس آن ها ائمه معصوم علیهم السلام در مقام پاسخ گویی یا در مسند نقض و یا امضا یا از موضع اصلاح بر آن ها می نگرستند.^۵ با همین مبنا در مکتب قم، در فهم احادیث و بررسی مسائل به اقوال علمای اهل سنت توجه ویژه می گردد. آیه الله بروجردی از سردمداران این روش فقاهتی در دوره معاصر در تحلیل واژه قاضی در روایت مقبوله عمر بن حنظله می نویسد:

۱. همان، ص ۳۷.

۲. کتاب البیع، ج ۲، ص ۶۳۱.

۳. مصباح الفقاهة، ج ۵، ص ۴۹.

۴. کتاب البیع، ج ۲، ص ۶۵۳.

۵. مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۰، ص ۱۵۳.

۶. «روش اجتهادی فقهاء»، ص ۲۱۶؛ مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۰، ص ۱۵۴.

آیا کسی می‌تواند احتمال دهد که ائمه علیهم‌السلام شیعیان خود را از مراجعه به طاغوت‌ها و قضاوت آنان نهی کرده و در عین حال، کسی را معین نکرده باشند و شیعیان را بلا تکلیف و سرگردان رها کرده باشند.^۱

بروجردی با استفاده از این روش، نهی امام از رجوع به حاکم را دلیلی بر نصب فقیه به عنوان حاکم می‌داند؛ اگرچه در متن حدیث واژه قاضی به کار رفته باشد. ایشان در تحلیل این مورد، معتقد است با مراجعه به احادیث اهل سنت مشخص می‌گردد که قاضی در آن عصر متکفل برخی امور عمومی نیز بوده است.^۲ امام خمینی نیز به همین شیوه نهی معصوم از پیروی طاغوت را ناظر بر حاکمیت خلفای جور دانسته، لذا وقتی به شیعیان دستور مراجعه به فقها و روایان حدیث داده می‌شود، مراد معصوم از آن، تعیین فقیه به عنوان حاکم مشروع است، برای رجوع مردم به آن‌ها جهت رفع تعددی و تجاوز، نه فصل خصومت.^۳

نتیجه

با مطالعه موردی منهج اجتهادی فقهای دو مکتب در بررسی احادیث ولایت فقیه، علل و زمینه‌های اختلاف آن‌ها در خوانش احادیث مرتبط با موضوع ولایت زعامت فقیه را می‌توان در موارد زیر دسته‌بندی کرد

۱. صناعت محوری مکتب نجف، متن‌گرایی مکتب قم؛

بر اساس تفاوت در این رویکرد، طیفی از احادیث مرتبط با موضوع ولایت فقیه، برخلاف سیره فقهای متقدم و اساطینی چون علامه بهبهانی، در دستگاه فقاهتی مکتب نجف نادیده انگاشته شده است؛ در حالی که همان روایات با در نظر گرفتن سایر ادله همچون اصول متلقات در سیره متقدمین فقاهت امامیه و مکتب قم مورد استناد واقع شده است.

۲. استظهار عرفی متون در مکتب قم و تدقق‌های عقلی و تکثیر احتمالات در مکتب

نجف؛

بدیهی است فهم متن روایات - که در تخطاب با شهروندان جامعه اسلامی از ساحت معصوم صادر گردیده - در فهم فضای صدور روایت و محاورات عرفی صورت می‌گیرد. از

۱. البدر الزاهر، ص ۷۸.

۲. همان.

۳. کتاب البیع، ج ۲، ص ۶۴۲.

این جهت، تدقیق‌های فراعرفی مکتب نجف موجب تکثیر احتمالات در فهم واژگان کلیدی موضوع، از جمله «حاکم»، «الحوادث»، «الحصون» و ... گردیده که سبب برداشت‌های مقید و محدود از ولایت فقیه شده است.

۳. تفقه ریاضی‌وار مکتب نجف، اجتهاد انضمامی مکتب قم؛

ظنونی چون سیره عقلاء، شهرت فتوایی، اقوال علمای متقدم، تواتر معنایی، بررسی گروهی احادیث به گونه خانواده حدیثی، مطابقت با اصول مذهب، مقاصد الشریعت و مصالح شرعی، اگرچه هر یک به تنهایی موجب حصول قطع به صدور خبری از معصوم نمی‌گردد، بدیهی است مجموعه این ظنون با در نظر گرفتن اصول قوانین منطق فازی منجر به تحقق کشف از واقع و حصول قطع برای مجتهد می‌شود. از این جهت در دستگاه اجتهادی مکتب قم مجموعه روایات مربوط به ولایت فقیه نوعاً موجب حصول یقین برای فقیه شده است.

۴. ملاک‌انگاری مقاصد شریعه در مکتب قم و عدم آن در مکتب نجف؛

بدیهی است عنصر اجرایی شدن احکام یکی از مقاصد اصلی شریعت است که بدون در نظر گرفتن آن تشریح احکام امری لغو است. فقهای مکتب قم با در نظر گرفتن این معیار خوانشی نزدیک به واقع از احادیث ولایت فقیه ارائه داده‌اند.

رجوع به گستره بزرگ فقه امامیه در طول تاریخ فقهت، حاکی از آن است که برخی شیوه‌های فقه‌های مدرسه آیه الله خویی اختصاص به همان مدرسه داشته و در سیره اجتهادی اساطین فقه شیعه از سابقه چندانی برخوردار نیست. دیگر این که تحلیل شیوه فقه‌های دو مکتب حاکی از آن است که فقهای مکتب قم برخی علل و عوامل مؤثر و دخیل در فهم حدیث را مورد بررسی قرار می‌دهند؛ مانند فهم فضای صدور حدیث تحلیل تاریخی روایات سیرت‌طور حدیث و نقل آن و تطبیق با منابع اهل سنت که هر یک ویژگی منحصر به فردی است که توجه در آثار فقهای مکتب نجف گویای آن است که در بررسی احادیث ولایت فقیه چنین شیوه‌ای انجام نگرفته است.

کتابنامه

الاجتهاد و التقليد، روح الله موسوی الخميني، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۸۴ ش.

- الاجتهاد و التقليد (الفوائد الحائرية)، محمد باقر بهبهانی، قم، مجمع الفكر الإسلامی، اول، ۱۴۱۵ق.
- إرشاد الطالب إلى التعليق على المكاسب، جواد بن علی تبریزی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، سوم، ۱۴۱۶ق.
- انوار الفقاهه، ناصر مکارم شیرازی، قم، مدرسة الامام اميرالمؤمنين عليه السلام، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
- بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- البدر الزاهر فی صلاة الجمعة و المسافر، حسین طباطبایی بروجردی، مقرر آیه الله شیخ حسینعلی منتظری، قم، دفتر حضرت آیه الله منتظری، سوم، ۱۴۱۶ق.
- تحف العقول، حسن بن شعبه حرانی، قم، انتشارات جامعه مدرسين، ۱۴۰۴ق.
- التنقيح فی شرح العروة الوثقى (الاجتهاد والتقليد)، سيد ابو القاسم موسوی خویی، تحت اشراف آقای لطفی، قم، اول، ۱۴۱۸ق.
- التعليقة على العروة الوثقى، روح الله موسوی الخمينی، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينی عليه السلام، دوم، ۱۳۸۶ش.
- تهذيب الأصول، روح الله موسوی الخمينی، مقرر: شيخ جعفر سبحانی، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينی عليه السلام، دوم، ۱۳۸۷ش.
- دائرة المعارف فقه مقارن، ناصر مکارم شیرازی، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب عليه السلام، اول، ۱۴۲۷ق.
- روش تطبیقی فراسوی راهبردهای کمی و کیفی، ریگین چارلز، ترجمه: محمد فاضلی، تهران، نشر آگه، ۱۳۸۸ش.
- روش شناسی مطالعات انقلاب با تأکید بر انقلاب اسلامی ایران، محمد رضا طالبان، تهران، پژوهشکده امام خمیني و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸ش.
- العروة الوثقى مع تعليقات الفاضل، فاضل لنکرانی، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار عليهم السلام، اول، بی تا.
- فقه و مصلحت، ابوالقاسم علی دوست، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
- قواعد روش جامعه شناسی، دورکیم، امیل، مترجم: علی محمد کاردان، تهران، دانشگاه تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۳ش.

- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- کتاب البیع، روح الله موسوی الخمينی، تقرير: خرم آبادی، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۸۶ش.
- کتاب البیع، روح الله موسوی الخمينی، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چاپ سوم، ۱۳۸۸ش.
- مبانی تکملة المنهاج، سيد ابو القاسم موسوی خوی، قم، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی، اول، ۱۴۲۲ق.
- مبانی فقہی حکومت اسلامی، حسین علی منتظری نجف آبادی، مترجم: محمود صلواتی، و ابو الفضل شکوری، قم، مؤسسه کیهان، اول، ۱۴۰۹ق.
- مجموعه آثار استاد شهید مطهری، مرتضی مطهری، ۲۹ جلدی، تهران، صدرا، چاپ هشتم، ۱۳۷۷ش.
- مصایح الظلام، محمد باقر بهبهانی، قم، مؤسسه العلامة المجدد الوحيد البهبهانی، اول، ۱۴۲۴ش.
- مصباح الفقاهة (المکاسب)، سيد ابو القاسم موسوی خوی، بی تا.
- معجم الرجال الحديث، سيد ابو القاسم موسوی خوی (نرم افزار داریه الحديث نور)، مرکز تحقیقات اسلامی نور.
- المکاسب و البیع، میرزا محمد حسین غروی نایینی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۱۳ق.
- منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، محمد ابراهیم جناتی شاهرودی.
- من لا يحضره الفقيه، صدوق، قم، انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۳ق.
- منهاج الصالحين، سيد ابو القاسم موسوی خوی، ۲ جلد، نشر مدينة العلم، قم - ایران، ولایت فقیه، حکومت اسلامی، تقرير بيانات امام خمینی علیه السلام، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چاپ بیستم، ۱۳۸۸ش.
- ولایت فقیه (ولایت عدالت و فقاہت)، عبدالله جوادی آملی قم، اسراء، ۱۳۸۹ش.
- وسائل الشیعة، محمد بن حسن حر عاملی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- «آیة الله حاج آقا حسین بروجردي از دیدگاه آیة الله شبیری زنجانی»، مجله کتاب شیعه، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۰.

- «تحولات اجتهاد شیعی، سیر تاریخی، حوزه‌ها و شیوه‌ها»، سید مصطفی محقق داماد، تحقیقات حقوقی، شماره ۴۹، بهار و تابستان ۱۳۸۸.
- «شیوه شیخ در فقاہت»، احمد عابدی، آینه پژوهش، ۱۳۷۳، شماره سوم.
- «روش اجتهادی فقهاء»، صافی گلپایگانی، ابوطالب تجلیل و نوری همدانی، مجله نقد و نظر، شماره ۱، زمستان ۱۳۷۳.
- «روش فقهی مصلح بزرگ، آیه الله بروجردی»، ابوالفضل شکوری، آینه پژوهش، ۱۳۹۰، شماره ۷ خرداد و تیر.
- «گفتگویی با موضوع نگاهی به مکاتب اجتهادی نجف و قم»، شب زنده دار، مجله فقه، ۱۳۹۰، شماره ۶۷.

